

تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین

مهدی طاهرخانی^{۱*}، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

۲- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش: ۸۲/۱/۲۹

دریافت: ۸۲/۹/۲۵

چکیده

روابط متقابل و پیوند میان شهرها و نواحی روستایی، به طور گسترده‌ای به عنوان عامل اصلی در فرایند تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شناخته شده است. علی‌رغم این واقعیت، بیشتر نظریه‌های توسعه و رویه‌های اجرایی تویحاً به بوکانگی، جمعیت و فعالیت‌های نواحی شهری و روستایی تأکید دارند.

برنامه‌ریزان شهری گرایش بیشتری به مسائل شهری و توجه اندکی به کشاورزی و توسعه روستایی دارند؛ در حالی که برنامه‌ریزان مربوط به توسعه روستایی نواحی روستایی را تنها شامل روستاها و اراضی کشاورزی و مجزا از مراکز شهری تعریف می‌کنند.

این مقاله نشان می‌دهد که چگونه روابط متقابل روستا-شهر مانند پیوندهای فضایی (جریان کالاها، پول، سرمایه، مردم، اطلاعات، پسماندها، تولید و فناوری) و همچنین روابط متقابل بخشی بر تغییرات اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی و شهری اثر می‌گذارند.

این تحقیق به مطالعه موردی در عملکرد متقابل و پیوندهای فضایی بین شهر قزوین و ۶۵ سکونتگاه روستایی آن پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که روابط متقابل روستا و شهر، بیشتر در بروز تغییرات غیر ارگانیک در مراکز روستایی استان قزوین مؤثر بوده‌اند.

در صورتی که توسعه شهری و روستایی نیازمند آن است تا به عنوان فرایندهای مکمل برای کسب منابع کمیاب مورد توجه قرار گیرد. منافع چنین رویکرد یکپارچه‌ای مطمئناً از هزینه‌های آن بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: روستا-شهر، روابط متقابل، توسعه روستایی، پیوندهای فضایی.



۱- مقدمه

روابط متقابل شهرو روستا به عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر در بروز تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در عرصه‌های شهری و روستایی شناخته شده است. در نظریه‌های توسعه به طور عمده بر دوگانگی منظر شهر و روستا تأکید شده است و در این راستا برنامه‌ریزان شهری با تمرکز بر گروه‌های شهری توجه اندکی به کشاورزی و برنامه‌ریزی با جهت‌گیری به سمت نواحی روستایی داشته‌اند. در حالی که برنامه‌ریزان توسعه روستایی نیز با تأکید بر روستا و اراضی کشاورزی کمتر به فضای شهری و تأثیر آن در توسعه روستایی پرداخته‌اند.

به این ترتیب در طول سالهای متمادی تفکیک فضایی شهر و روستا در برنامه‌ریزیهای توسعه، یک سنت غالب در میان متخصصان و برنامه‌ریزان شهری و روستایی بوده است. در دهه ۱۹۷۰ م. انگاره‌ای ترویج یافت که براساس آن شهرها می‌توانستند در توسعه روستایی مؤثر واقع شوند. این نظریه که ریشه در بنیانهای مکان مرکزی داشت به وسیله جانسون^۱ در کشور هندوستان به مرحله اجرا گذاشته شد. بر اساس الگوهای مکان مرکزی، شهرکهای روستایی در هندوستان قادر بودند شکاف بین شهرها و روستاها را از طریق تجاری‌کردن فعالیتهای کشاورزی پرکنند. در همان دوره دنیس راندینلی^۲ با ارائه رویکرد UFRD^۳ بر نقش کارکردهای شهری در توسعه روستایی تأکید کرد. براین مینا شهرها قادرند:

- تسهیلات و کالاهای مصرفی مورد نیاز روستاییان را تأمین بکنند؛
 - خدمات عمومی و خصوصی را برای روستانشینان تدارک ببینند؛
 - زمینه را برای پیوند نواحی روستایی با بازارهای ملی فراهم آورند؛
 - به عنوان مراکز حمایت‌کننده از تولیدات روستایی به‌ایفای نقش بپردازند؛
 - زمینه را برای فراوری مواد اولیه کشاورزی به‌وجود آورند؛
 - اشتغال غیرکشاورزی را برای روستاییان مهیا کنند؛
- و بستر لازم را برای ارتقای سطح دانش و آگاهی روستاییان فراهم آورند.

1. Janson

2. Dennis Rondenelli

3. Urban Function for Rural Development

به این ترتیب با شکل‌گیری پیوندهای مصرف، تولید و روابط مالی میان شهرها و روستاها و نیز شکل‌گیری جریانهای متنوع از کالاها، خدمات، پول، اطلاعات، مردم، فناوری و تولید میان شهرها و روستاها، روابط فضایی آنها در یک الگوی یکپارچه ناحیه‌ای مورد تأکید برنامه‌ریزان قرار گرفت.

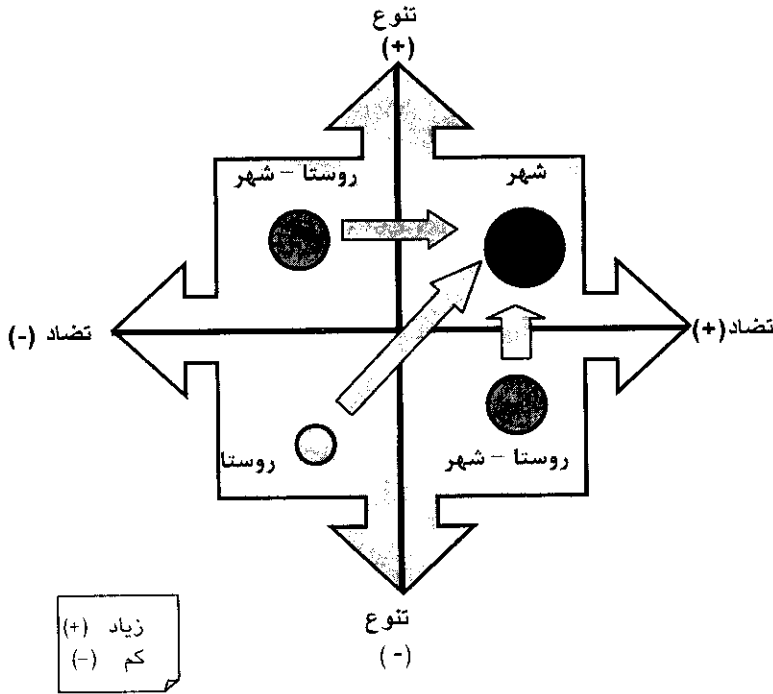
تحقیق حاضر با تأکید بر جنبه‌های ذکر شده تلاش دارد تا ضمن طبقه‌بندی نوع و میزان روابط حاکم بر مراکز شهری و روستایی استان قزوین مهمترین پیامدهای اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و مکانی- فضایی حاصل از این روابط را در تحول عرصه‌های روستایی مطالعه و تحلیل کند.

۲- مفاهیم؛ ضرورتها و روابط فضایی شهر و روستا در برنامه‌ریزی‌های توسعه

۲-۱- مفاهیم و تعاریف

شهر و روستا به‌عنوان یک فضای جغرافیایی، از در هم تنیدگی عناصر فضایی و کالبدی به‌وجود آمده‌اند. علی‌رغم وجود تشابه متعدد در حوزه‌های شهری و روستایی که با عناصر فضایی چون فعالیتها، انسانها و پدیده‌های انسان ساخت همراه می‌شوند؛ اما کارکردهای فضایی شهر و روستا از تفاوت‌های معناداری برخوردار هستند که حاصل ماهیت مکان و روح حاکم بر فضای آنهاست. ژان باستیه تنوع و تضاد را دو عنصر اساسی حاکم بر تفاوت‌های فضایی میان شهر و روستا می‌داند و معتقد بود فضای شهری جایگاه تنوع و تضادها است [۱].

الگوی فضایی تفاوت‌های روستا و شهر که در شکل ۱ نشان داده شد، بیانگر محور مختصاتی است که در دو محور X و Y آن بترتیب تضادها و تنوعها با شدت زیاد و کم قرار گرفته‌اند. در این معنا شهر جایگاه بیشترین تضادها و تنوعها، روستا عرصه کمترین تضادها و تنوعها مراکز حد فاصل روستاها و شهرها چون شهرکها و روستا- شهرها جایگاه تضادها و تنوعهای متفاوت هستند. از نکات قابل تعمق ابعاد فضایی تحلیل مناسبات فضایی شهر و روستا، گرایش روستاها، روستا- شهرها و شهرکها به سوی تنوع و تضاد، یعنی شهری شدن است.



شکل ۱ ابعاد فضایی تفاوت‌های شهر و روستا

مؤسسه بین‌المللی برای محیط و توسعه و دیوید ساترویت در تبیین تفاوت‌های فضایی شهر و روستا به مفاهیمی چون امرار معاش و دارایی‌های پایه، سطح سلامتی و بهداشت محیطی، مسکن، خصیصه‌های اجتماعی، اداره دولتی و گردشگری تأکید کرده‌اند [۲، صص ۴-۹؛ ۳، صص ۲-۵].

۲-۲- روستا و شهر در برنامه‌ریزی توسعه

در حال حاضر بحث ماهیت روابط روستا-شهر از جایگاه ارزشمندی در برنامه‌های توسعه بویژه برنامه‌ریزی‌های فضایی برخوردار است. بررسی در تحول تاریخی ادبیات روستا و شهر نشان می‌دهد که محور مباحث انجام شده در دهه ۱۹۵۰م. به این موضوع تأکید داشته است که آیا شهرها نقش انگلی یا مولد^۱ را در روابط خود با پسرکرانه‌های روستایی دارند از اوایل دهه

1. parasitic or generative roles
2. rural hinterlands

۱۹۶۰م. منظر جدیدی در زمینه برنامه‌ریزیهای منطقه‌ای تحت عنوان مدل‌های مرکز-پیرامون و قطبی شدن^۱ مطرح شد. براین مبنا فرضیه‌ای که معتقد به انباشت منابع در مرکز و انتشار منافع رشد از مرکز به پیرامون بود، تکوین یافت. اگر چه در بلند مدت ثابت شد که شهرها به عنوان مراکز انباشت^۲، بیشتر به عنوان مانع توسعه عمل می‌کنند تا تسهیل کننده امر توسعه. نظریه «تعصب شهری» که در دهه ۱۹۷۰ م. مطرح شد، به میزان قابل توجهی نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای را دچار تحولات اساسی کرد. در این نظریه شهرها علت و موجب بیشتر مشکلات و توسعه‌نیافتگی نواحی روستایی هستند. از اواخر دهه هفتاد، نظریه مشابهی با اولویت توسعه روستایی نزد برنامه‌ریزان مطرح و به اجرا گذاشته شد. به نظر می‌رسد در این دوره بیشتر بحث‌های انجام شده بر محور ضدیت شهری^۳ استوار بوده و روابط روستا-شهر به طور ناقص و بدون توجه باقی مانده است. به این ترتیب دو طبقه از برنامه‌ریزان هویت یافته‌اند. از یک طرف برنامه‌ریزان شهری قرار دارند که توسعه روستایی را به خاطر شهرها^۴ مورد توجه قرار داده و یکپارچگی منطقه‌ای را از طریق شهرنشینی دنبال کرده‌اند و در سیاست خود دارای تعصب شهری هستند، از سوی دیگر برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار دارند که شهرها را به عنوان انگل و غریبه^۵ معرفی می‌کنند. در برنامه‌ریزی آنان بوضوح نوعی تعصب روستایی^۶ قابل مشاهده است [صص ۲-۳].

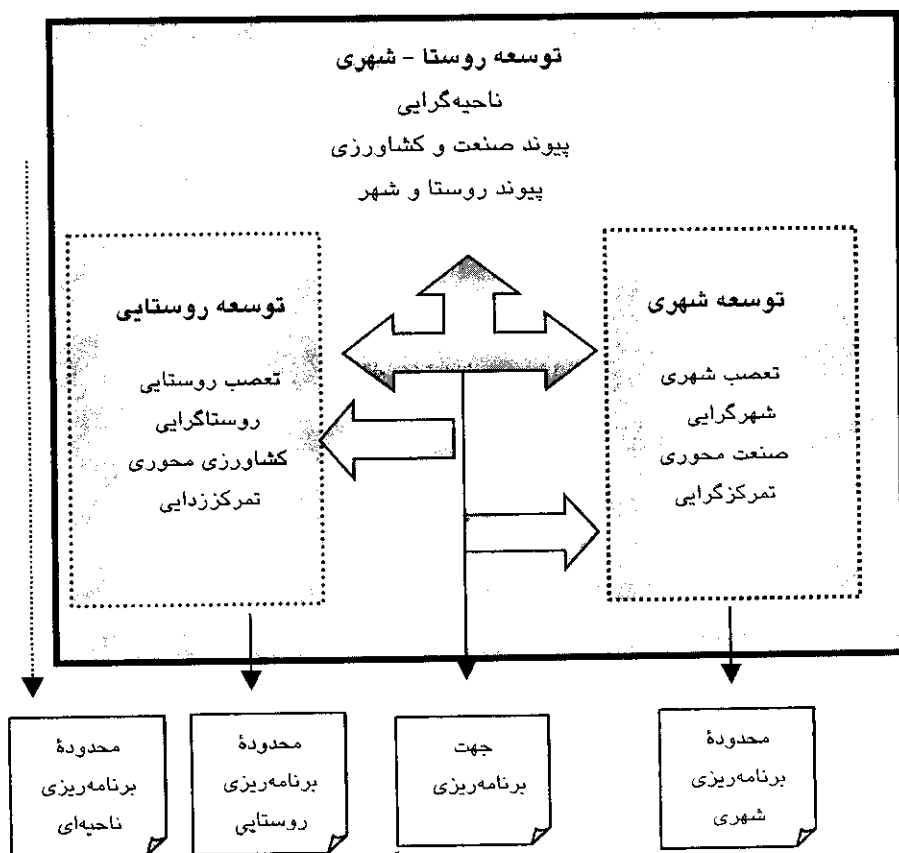
هم‌اینک بی هیچ تردید می‌توان اذعان کرد که برای یک خانوار روستایی چشم‌اندازهای زندگی روزانه هم از عناصر شهری و هم از عناصر روستایی تأثیر می‌پذیرد. پیوندهای روستا-شهر قسمتی از واقعیت‌های زندگی روزانه یک خانوار ساکن نواحی روستایی است. چالش امروز برنامه‌ریزان منطقه‌ای تبیین تقسیم فضایی شهر و روستا و یکپارچگی آنان به عنوان یک واقعیت در چارچوب برنامه‌ریزیهای توسعه در جهت ارائه رویکردهایی برای تقویت مناسبات شهر و روستا و منافع متقابل^۷ است. به این ترتیب

1. core-periphery and spatial polarization
2. theaters of accumulation
3. pro-anti urban
4. rural development from cities
5. parasite and alien
6. rural bias
7. mutual benefits

همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد به نظر می‌رسد که سه دیدگاه برنامه‌ریزی در خصوص روستا و شهر وجود دارد:

۱- دیدگاه برنامه‌ریزی شهرگرا: این دیدگاه با تعصب شهری به عناصر ساختاری مانند تمرکزگرایی، صنعت محوری و شهرگرایی معتقد بوده است و توجه به توسعه روستایی را به سبب تسهیل در تحقق فرایند توسعه شهری مورد توجه قرار می‌دهد.

۲- دیدگاه برنامه‌ریزی روستاگرا: این دیدگاه با تعصب روستایی به عناصری چون تمرکززدایی، کشاورزی محوری و روستاگرایی معتقد بوده است و جایگاه شایسته‌ای برای شهر در فرایند توسعه روستایی قایل نیست. از این منظر، شهر به عنوان انگل و مانع تحقق توسعه روستایی است.



شکل ۲ ابعاد فضایی نظام برنامه‌ریزی

۳- دیدگاه ناحیه‌گرا: این دیدگاه به دور از تعصبات رایج شهری و روستایی به عناصری چون پیوند صنعت، کشاورزی، روستا و شهر معتقد بوده است و توسعه روستایی و شهری را بدون توجه به پیوند متقابل هر یک دست نیافتنی می‌داند. این دیدگاه ناحیه‌گرا بوده است و به توزیع فضایی سکونتگاهها در یک ساخت ناحیه‌ای تأکید دارد. در این دیدگاه آنچنان که تی.اسکارلت اپستین و دیوید جوزف^۱ تصریح دارند، توسعه روستایی و شهری به عنوان فرایندهای مکمل^۲ و یکپارچه است که موجب تسریع توسعه ناحیه‌ای می‌شوند [صص ۱۴۴۳ - ۱۴۵۴].

دنيس راندنيلی و هیو ایوانز^۳ با تأکید بر نظام سکونتگاههای قطبی^۴ - که به طور عمده در کشورهای در حال توسعه تجلی یافته است - معتقدند: پیگیری چنین سیاستی به تقویت نابرابریها میان بزرگترین شهر و سایر مناطق و همچنین بین مراکز شهری و پسرانه‌های روستایی آن منجر می‌شود. برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه منطقه‌ای^۵ با تأکید بر روابط روستا و شهر قادر است تا نظامی کاملاً شفاف از سکونتگاهها را در جهت تنوع بخشی به خدمات، دسترسی به تسهیلات، افزایش دسترسی به بازارهای شهری، فرصتهای اشتغال غیرکشاورزی، تأمین نهادهای کشاورزی و الگوی مناسب جهت تصمیم‌گیریهای مکانی برای سکونتگاههای روستایی به‌وجود آورد [صص ۳۱ - ۳۵].

اگرچه در دیدگاه سنتی موضوع روابط متقابل شهر و روستا از طریق نفوذ شهرهای بزرگ به عنوان عامل مؤثر توسعه فضایی شناخته شده است؛ اما شهرهای کوچک و متوسط به عنوان حلقه مهم و مکمل رابطه شهر و روستا محسوب می‌شوند [صص ۱۴۲ - ۱۶۲].

برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه منطقه‌ای فرایندی بین بخشی^۶ و چند رشته‌ای^۷ است که در آن ابزارهای مناسبی برای ایجاد مناسبات ترکیبی از کوششهای توأمان شهری و روستایی^۸ به کمک اتحاد روستا و شهر^۹ برای استفاده بهینه از ساز و کارهای بازار، اعمال مدیریت مناسب شهری،

-
1. T. Scarlett Epstien & David Joseph
 2. complementary processes
 3. Hugh Evans
 4. polarized settlement system
 5. Integrated regional development planning
 6. inter - sectoral
 7. multi-disciplinary
 8. synergistic relationship
 9. rural - urban alliance

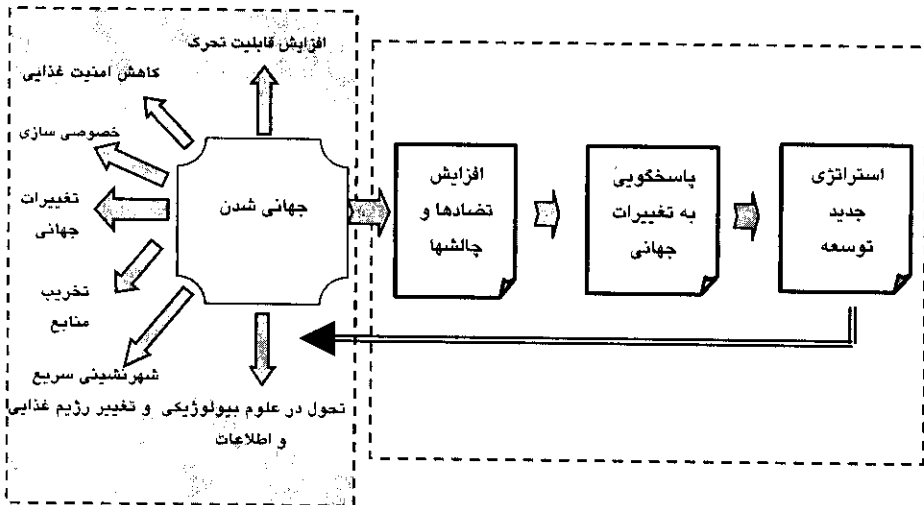


محیطی و ارتقای بهره‌وری روستایی صورت می‌گیرد؛ زیرا اقتصاد روستا و شهر وابسته و مکمل یکدیگرند. بازارهای روستایی و شهری از طریق پیوندهای پسین و پیشین و نیز وجود جریانهای مردم، کالاها، خدمات، اطلاعات و فناوری به یکدیگر پیوند خورده‌اند. بنابراین بروز تغییرات در نواحی روستایی، فرایند خودکار^۱ و جدای از مناسبات شهری نیست [۸، ص ۳]. به این ترتیب مشاهده می‌شود که بسیاری از اندیشمندان توسعه بر این اعتقادند که حاکم بودن تعصب شهری مانع عمده‌ای برای توسعه بخش کشاورزی در نواحی روستایی است. دیدگاهی که کمتر بر مناسبات کشاورزی - صنعت تأکید دارد.

در نتیجه لازم است بویژه در دوره آزادسازی تجارت، تغییر معناداری از سیاست تعصب شهری به سمت رویکرد پیوند متقابل روستا و شهر به وجود آید. در این رویکرد به تأثیر عملکرد متقابل روستا و شهر در توسعه اقتصاد ناحیه‌ای تأکید شده است و استراتژی توسعه صنعتی بر جهت‌گیری کشاورزی^۲ به جای استراتژی صنعتی شدن جایگزینی واردات^۳ ترویج می‌شود [۹، صص ۷۰۷-۷۳۸]. روند رو به رشد فقر و جریان مردم، کالاها، پول، فناوری، اطلاعات و تنوع شغلی میان شهر و روستا با ظهور موج جدیدی از اصلاحات در جهت پاسخگویی به تغییرات جهانی که در شکل ۳ تصریح شده، توجه به مناسبات فضایی روستا و شهر را در برنامه‌ریزیهای توسعه بیش از گذشته مورد توجه قرار داده است. هنوز ۷۵ درصد از فقرا در نواحی روستایی و بیش از یک میلیارد نفر در جهان با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند [۱۰، ص ۲؛ ۱۱ صص ۱-۵؛ صص ۲-۳؛ ۱۲، صص ۶۷-۷۳].

گرشون فیدر و همکاران^۴ در تأکید بر اهمیت مطالعه روابط شهر و روستا، ضمن تبیین ضرورت‌های شهری و روستایی معتقدند: بررسی همه جانبه رابطه متقابل روستا و شهر و هدایت آن در بستری هدفمند و آگاهانه بی‌تردید گامی مؤثر در کاهش فقر روستایی، ایجاد پیوند فضایی میان فعالیت‌های کشاورزی و بازارهای مصرف، توسعه ظرفیت ارائه خدمات و ایجاد مشارکت میان بخش‌های دولتی و خصوصی، توانمندسازی روستاییان و جلوگیری از مهاجرت آنان به شهرهاست.

1. autonomous process
2. agricultural - industry relations
3. agriculture - led - development - industrialization strategy (ALDIS)
4. import - substitution - industrialization strategy (ISIS)
5. Feder et . al



شکل ۳ روند تحولات جهانی و استراتژیهای جدید توسعه

در این معنا روابط روستا و شهر به عنوان ابزاری برای کاهش فقر روستایی، کاهش ضایعات محیطی و حفظ محیط اکولوژیکی از طریق تخصیص بیشتر به هزینه‌های عمومی^۱، ایجاد شبکه‌های یکپارچه منطقه‌ای، پویایی و تحرک بازار کار، سرمایه، مردم و اطلاعات و جذب نیروی مازاد در بخش کشاورزی است. شکل ۴ به بیان ضرورتها و پیامدهای حاصل از روابط شهر و روستا پرداخته است [صص ۲-۳].

۳-۲- انواع روابط متقابل شهر و روستا

روابط و وابستگی میان مراکز شهری و حوزه‌های روستایی پیرامون از دیدگاه سیسیلیا تاکولی^۲ به دو دسته تقسیم می‌شوند [صص ۱۴۷-۱۶۲]:

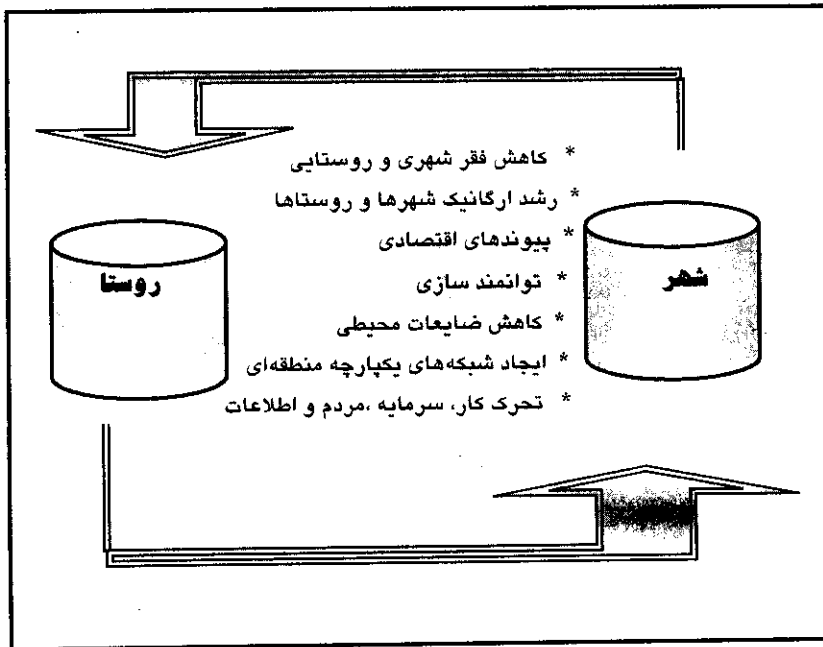
۱- روابط متقابل فضایی^۳: در روابط متقابل فضایی، مفهوم فضا میان دو عنصر شهر و روستا قرار می‌گیرد. این روابط شامل: جریان، جمعیت، کالا، پول، اطلاعات، پسماندهاست.

1. general costs
2. Cecilia Tacoh
3. spatial interactions



از مظاهر روابط متقابل فضایی - که متأثر از مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها به وجود آمد - شکل‌گیری خانوارهای چند فضایی^۱ است. خانوارهای چند فضایی از حمایت دوجانبه^۲ در جهت تأمین نیازهای مالی خانواده بهره‌مند می‌شوند.

اعضای مستقر در شهر^۳ می‌توانند به عنوان منبع مهم درآمد برای سایر اعضای مستقر در روستا به حساب آیند. آنان ممکن است قسمتی از درآمد خود را در قالب وجه رسانی^۴ به روستای محل سکونت خود ارسال کنند [۱۵].



شکل ۴ ضرورتها و پیامدهای مطالعه روابط متقابل شهر و روستا

1. multi - spatial households
2. reciprocal support
3. urban - based members
4. remittance

جریان کالاها^۱ از مهمترین مظاهر روابط متقابل میان شهر و روستا محسوب می‌شود. بر اساس مدل دوره‌های خوش خیم^۲ اقتصادی که در برابر دوره‌های بدخیم^۳ قرار می‌گیرد، همواره تسلسل باطالی به صورت درخواست افزایش دستمزد برای حفظ قدرت خرید و مقابله با تورم که منجر به ترقی قیمت‌ها و تقاضای مجدد برای دستمزد بیشتر می‌شود، وجود دارد.

توسعه هماهنگ و یکپارچه روستایی و شهری قادر است به افزایش دوره‌های خوش خیم و توسعه بازارهای داخلی و خارجی مساعدت کند.

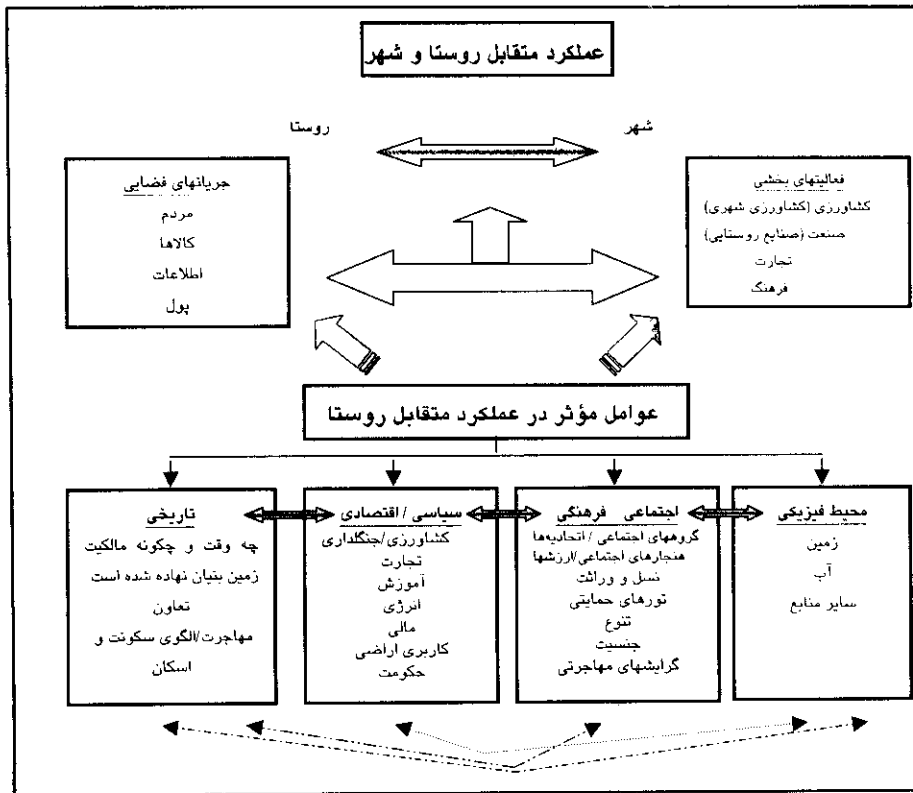
۲- روابط متقابل بخشی^۴: این بخش، شامل فعالیتهای روستایی است که در نواحی شهری صورت می‌گیرد و برعکس فعالیتهای شهری است که در نواحی روستایی شکل می‌گیرند. کشاورزی شهری^۵ و فعالیتهایی که اغلب تحت عنوان مشاغل شهری نظیر فعالیتهای صنعتی و خدماتی از آنان نام برده می‌شود، در این طبقه جای می‌گیرند.

از دهه ۱۹۷۰م. کشاورزی شهری به عنوان پاسخی به افزایش فقر و ترقی قیمت محصولات کشاورزی و نیز واکنشی به سیاستهای تعدیل اقتصادی افزایش پیدا کرده است.

گروهی از محققان، انواع روابط متقابل روستا و شهر را با چهار مؤلفه مهاجرت میان نواحی روستایی و شهری، وابستگیهای اقتصادی، اجتماعی و بخشی تفسیر می‌کنند. در این بین، عملکرد متقابل نواحی شهری و روستایی در قالب جریانهای بخشی و فضایی تفسیر می‌شود.

آنچنان که در شکل ۵ نشان می‌دهد، مهمترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط متقابل میان مراکز شهری و روستایی، تابع محیط فیزیکی، شرایط اجتماعی- فرهنگی، اوضاع سیاسی، اقتصادی و ابعاد تاریخی است [۱۶، صص ۸-۱].

-
1. flows of goods
 2. virtuous circles
 3. vicious circles
 4. sectoral interaction
 5. urban agriculture



شکل ۵ چارچوب تحلیلی بر مطالعه عملکرد متقابل روستا و شهر

۲-۴- آثار روابط متقابل روستا و شهر

گروهی از محققان معتقدند که کوشش برنامه‌ریزان در راستای برنامه‌ریزیهای فضایی بر آن است تا به فرایندهای شهری و روستایی در قالب شبکه‌ها توجه شود. در این الگو تلاش می‌شود تا ضمن جدایی کارکردهای نقاط قرمز (نواحی متراکم شهری) با اراضی سبز (نواحی روستایی) به تعامل فضایی شهر و روستا در قالب روابط ارگانیک تأکید شود [۱۷، صص ۲۹۷-۳۰۸]. در این

بین آثار روابط متقابل روستا و شهر برگرفته از جریان مردم، کالاها، سرمایه‌ها، اطلاعات، فناوری و تولیدات میان عرصه‌های شهری و روستایی به سه گروه عمده قابل تقسیم است [۱۶]:

۲-۴-۱- روابط متقابل بر مکانهای شهری و روستایی

۲-۴-۱-۱- تأثیر نواحی روستایی بر شهرها

در تبیین آثار عملکرد متقابل نواحی روستایی بر مراکز شهری، ابعاد مثبت و منفی آن مطالعه شده است. ازدحام و شلوغی^۱ که غالباً به آلودگی شهری^۲ منجر می‌شود، کمبود مسکن^۳، شکل‌گیری واحدهای مسکونی با کیفیت پایین و نیز تجمع وسیع زباله‌های شهری و ناکارآمدی زیربنای شهری^۴ نمونه‌ای از آثار منفی عملکرد روستاها بر مراکز شهری محسوب می‌شوند. بنابراین با وجود آثار مخربی که به طور عمده به دلیل عدم وجود روابط ارگانیک، میان شهرها و روستاها به وجود می‌آید، روستاها قادرند تا در صورت بسترسازی مناسب و هدفمند، آثار ارگانیکی را مانند: ایجاد فرصتهای شغلی برای نیروی کار در شهرها، کالاهای ارزان قیمت و مناسب برای گروههای کم درآمد شهری، زمین مناسب برای ساخت و ساز اقشار کم درآمد شهری، تأسیس کارخانه‌های بزرگ شهری و شرکتهای معتبر تجاری در مجاورت شهرها، امکان بهره‌گیری شهروندان از چشم اندازهای طبیعی و در نهایت رونق اقتصاد شهری ترویج کنند.

۲-۴-۱-۲- تأثیر مراکز شهری بر نواحی روستایی

بنا بر ماهیت روابط ارگانیک و غیرارگانیک روستا و شهر تأثیر عملکرد شهر بر نواحی روستایی نیز متفاوت است.

الف - آثار حاصل از روابط غیر ارگانیک

۱- تأثیر بر اراضی کشاورزی

سوداگری زمین که به طور عمده متأثر از افزایش قیمت اراضی اطراف شهرها به وجود می‌آید، قادر است تأثیرات منفی در روستاها و بویژه اراضی کشاورزی بر جای گذارد؛ به طوری که کشاورزان و مالکان اراضی به طور عمده به تجارت روی اراضی خود

1. congestion
2. urban squalor
3. housing shortage
4. breakdown in urban infrastructure



می‌پردازند و از سرمایه‌گذاری روی اراضی کشاورزی خودداری می‌کنند. تأثیر شهر بر زمینهای کشاورزی و روستایی با عامل فاصله ارتباط مستقیم دارد؛ یعنی با فاصله روستا از شهر، سوداگری و احتکار زمینهای کشاورزی کاهش پیدا می‌کند. همچنین اهمیت و درجه شهر در میزان سوداگری اراضی زراعی روستاهای اطراف مؤثر است؛ هر چه شهر بزرگتر باشد، تأثیر آن نیز بر اراضی زراعی اطراف بیشتر و مخربتر است. به موازات تأثیر شهر بر اراضی اطراف هر چند که ارزش مطلق زمین افزایش پیدا می‌کند؛ اما از ارزش نسبی زمین برای مصارف کشاورزی کاسته می‌شود.

۲- تأثیر بر مهاجرتهای روستایی

در بیشتر کشورهای در حال توسعه محصول نیروی کار نهایی در کشاورزی، چندان بالاتر از صفر نیست. به این ترتیب از دست دادن عضو فعالی از خانوار یک فرد کشاورز به معنای از دست رفتن اندکی از محصول است؛ زیرا همان مقدار کار میان کارگران تقسیم می‌شود؛ اما هیچگونه تغییری در میزان محصول اتفاق نمی‌افتد، بنابراین تولید نهایی کارگر در بخش کشاورزی تقریباً نزدیک صفر است. به این وسیله آنگاه که خانوار کشاورز در جمع خود درباره اعزام یکی از اعضای خانواده به بازار کار شهری تصمیم می‌گیرد، مزد واقعی مورد انتظار این کارگر در بخش شهری که ارزش تولید نهایی اوست با مزد او در بخش روستایی مقایسه می‌شود و از آنجایی که تولید نهایی کار در بخش کشاورزی بسیار ناچیز است، حتی اگر مهاجر به شهر مزد واقعی اندکی هم داشته باشد، باز هم کل درآمد خانوار بالا می‌رود. به این ترتیب جریان مردم میان شهر و روستا معنا پیدا می‌کند. آنچه‌آن که در تحقیقات اخیر تصریح شده است، تغییرات در تقاضا و عرضه امکانات رفاهی یا عواملی نظیر: افزایش درآمدهای واقعی، عدم تعادل‌های منطقه‌ای، جستجوی فضایی کار، محدودیتهای کارکردی مناطق روستایی از ابعاد اجتماعی مانند کسب منزلت اجتماعی، آسایش، تحرک، آزادی عمل و نیز شکل‌گیری ارزشهای جدید حاصل از جریان کالاها، سرمایه، اطلاعات و عقاید نوین میان مراکز شهری و روستایی باعث می‌شود تا بسیاری از روستاییان مهاجرت به شهرهای بزرگ را، راه حلی برای همه مشکلات خود بدانند [۵، صص ۱۴۴۳ - ۱۴۵۴، ۱۸، صص ۶۳ - ۸۰؛ ۱۹، صص ۳۲۷-۳۴۰؛ ۲۰، صص ۹۸-۱۲۹؛ ۲۱، ص ۷].

مهاجرت به عنوان ارمغان فقر به دلیل وجود جاذبه‌ها و فرصت‌های مناسب شهری مطابق با «نظریه چراغهای روشن» از دیدگاه بیپلاپ داسگوپتا^۱ موجب تشدید مهاجرت، تعدد زنان بر مردان^۲ و سالخورده شدن^۳ جمعیت روستایی می‌شود [۲۲، ص ۲۷۷].

۳- تأثیر در تغییر کاربری اراضی

مطابق با مدل اقتصاد خرد در تغییر کاربری اراضی^۴، روابط متقابل شهر و روستا در بروز تغییرات کاربری اراضی به عنوان یک عامل تأثیرگذار محسوب می‌شود [۲۳، صص ۲۱۷-۲۲۲]. یکی از بارزترین ویژگی‌های شهرهای امروزی نسبت به شهرهای قرن گذشته، وجود کاربری‌های تکه تکه و متنوع است. قطعه قطعه شدن اراضی بویژه در محیط طبیعی می‌تواند در کاهش تنوع زیستی مؤثر واقع شود. توسعه شهری به همراه جمعیت پذیری آن، نوع و تقاضای بازارهای شهری را دگرگون می‌سازد و این امر در کاربری اراضی اطراف شهرها تأثیر می‌گذارد. با توسعه شهر، ممکن است بسیاری از زمینهای زیرکشت و یا دارای قابلیت کشاورزی در مجاور شهرها و تحت پوشش ساختمانها، تأسیسات شهری، راهها، مغازه‌ها، واحدهای خدماتی و صنعتی قرار گیرند. به این ترتیب پیشروی و تعرض به فضاهای باز^۵ و «کمربندهای سبز» از بارزترین پدیده توسعه کالبدی شهرها محسوب می‌شود [۱۶، صص ۱-۸، ۲۴، ص ۱۹].

در حال حاضر نواحی اطراف شهرها چالشهای عمده‌ای را از ابعاد محیطی، اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی بویژه مکانیابی برای توسعه واحدهای مسکونی، کمر بند سبز، دفع زباله، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و فشار بر منابع طبیعی تجربه می‌کنند [۲۵، ص ۳]. همچنین در مناطق پیرامون شهری با توجه به بالا بودن هزینه‌های فرصت^۶، برنامه‌ریزی برای کاربری اراضی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و به زمین از بعد فضایی نگاه می‌شود [۲۶، ص ۲]. بنا بر مطالعات اخیر، ابعاد فضایی توسعه منطقه‌ای در نواحی اطراف شهرها، تقاضا برای زمین جهت کاربریهای غیرکشاورزی را افزایش داده است [۲۷، ص ۲۰]. به این ترتیب به نظر می‌رسد دو چالش، یعنی حفظ اراضی

1. Biplab Dasgupta

2. feminization

3. senilization

4. microeconomic model of landuse change

5. Invasion of open space

6. cost opportunity



زراعی و حفظ اراضی باز از دیدگاه محققان همواره در روابط شهر و روستا کاربری اراضی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد [۲۸، ص ۲].

تغییر الگوی کاربری اراضی پیرامون شهرها و گسترش آن در فضاهای روستایی تنها مختص کشورهای در حال توسعه نیست بلکه این فرایند به شکلی گسترده در بسیاری از کشورهای توسعه یافته جهان نیز مشاهده می‌شود. بر اساس گزارش لیبای و دیکس^۱ چنین فرایندی به شکل گسترده در ایالت متحده آمریکا بوقوع پیوسته است. براساس اطلاعات موجود از سال ۱۹۹۲م. تا سال ۱۹۹۷م. بیش از ۱۱/۲ میلیون هکتار از اراضی این کشور تحت نفوذ کاربریهای شهری قرار گرفته‌اند که ۲۵ درصد آن، یعنی حدود ۲/۲ میلیون هکتار اراضی زراعی بوده‌اند [۲۹، ص ۲].

ب- آثار حاصل از روابط ارگانیک

۱- تأثیر بر کاهش فقر روستایی

متأسفانه به نظر می‌رسد هنوز برنامه‌های کاهش فقر در نواحی شهری و روستایی جدای از ساخت ناحیه‌ای به طور مجزا از یکدیگر بحث می‌شوند در صورتی که فقر روستایی و شهری جدای از یکدیگر نیستند. نواحی شهری نه تنها به عنوان بازار اصلی فروش تولیدات روستایی و نیز تأمین کننده خدمات و کالاهای مورد نیاز روستاییان محسوب می‌شوند بلکه قادرند از طریق جریانهای مالی، حمایت از مهاجران، تأمین پناهگاه^۲، فرصتهای شغلی، تأمین خدمات و اشتغال موقت در توسعه و کاهش فقر روستایی مؤثر واقع شوند [۲، صص ۴-۹].

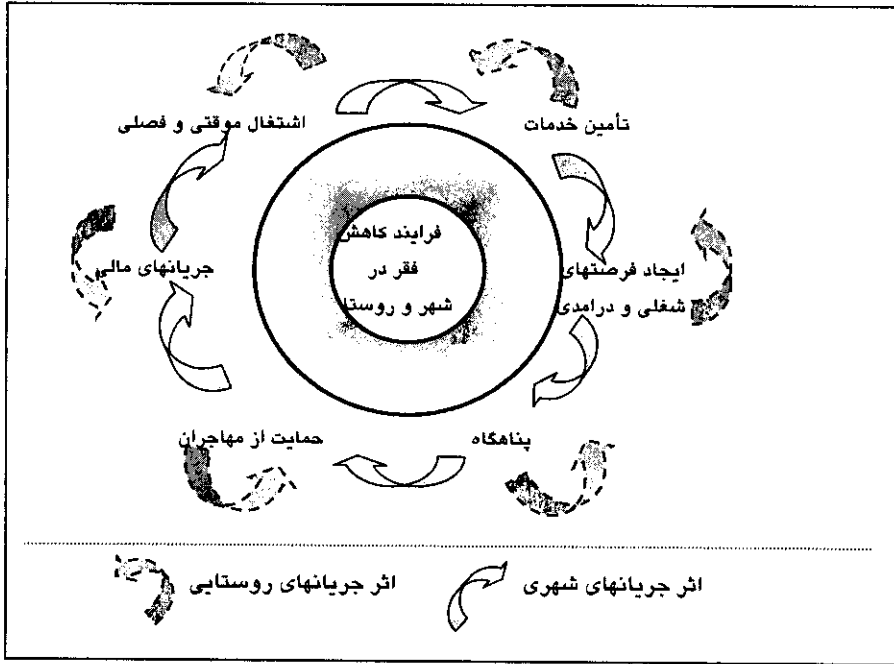
در راستای تأثیر شهر بر کاهش فقر نواحی روستایی، قابلیت‌های وسیعی نیز در عرصه‌های روستایی برای کاهش فقر شهری از طریق تأمین درآمد، اشتغال فصلی، پناهگاه و تأمین مواد غذایی برای مراکز شهری وجود دارد.

به این ترتیب عرصه‌های شهری و روستایی در تعامل با یکدیگر قابلیت آن را پیدا می‌کنند تا از طریق جریانها و پیوندهای مناسب اقتصادی، زمینه مطلوبی را جهت کاهش فقر به وجود آورند. در این راستا فقرای شهری و روستایی می‌توانند از مزیت‌های نسبی مراکز اسکان خود به‌گونه‌ای بهره‌مند شوند که نه تنها توسعه یکپارچه شهری و روستایی محقق شود بلکه در تعامل با

1. Libby & Dicks

2. refuge

برنامه‌ریزیهای فضایی در ابعاد ملی، بستر مناسبی برای حصول به توسعه پایدار نیز فراهم شود. شکل ۶ فرایند کاهش فقر، متأثر از روابط متقابل شهرو روستا را نشان می‌دهد.



شکل ۶ تأثیر روابط فضایی شهر و روستا در کاهش فقر

در این زمینه تجربه کشور اندونزی قابل تأمل است. از اواخر سال ۱۹۹۷م. دولت اندونزی پیشرفت قابل توجهی در کاهش فقر روستایی از طریق اجرای برنامه‌های متعدد فقرزدایی داشته است. به رغم کوششهایی که تا این مقطع زمانی صورت گرفته بود، فقر، چهره غالب کشور بویژه در نواحی روستایی بود. فقدان درآمد کافی، فرصتهای محدود اشتغال، عدم دسترسی مطلوب به خدمات زیربنایی سبب شد تا مهاجرت از روستاها به شهرها پدیده رایج کشور تلقی شود. دولت اندونزی در استراتژی توسعه اخیر با همراهی «برنامه توسعه سازمان ملل UNDP» تقویت و استحکام پیوند روستا و شهر را از طریق یکپارچه‌سازی فعالیتهای اقتصادی مورد توجه قرار داد.



رویکرد کاهش فقر از طریق پیوندهای روستا - شهر (با علامت اختصاری PARUL)^۱ که در پاره‌ای از استانها و بخشهای منتخب کشور به اجرا گذاشته شد، پاسخی به افزایش روبه تزايد فقر در نواحی روستایی بود [۲۰، ص ۲]. همچنین مطالعه^۲ موردی در شهرک «موپتی» در کشور مالی نیز نشان می‌دهد که مناسبات روستا و شهر موجب تقویت جریانهای مردم، کالاها، تولیدات و سرمایه میان روستاییان و شهرک از طریق تقویت تجارت و توسعه^۳ فرصتهای شغلی و در نهایت کاهش فقر شده است [۳، صص ۲ - ۵].

۲- تأثیر بر رونق فعالیتهای کشاورزی و اقتصاد روستایی

کشاورزی به عنوان اکوسیستم زراعی روستایی - شهری^۴ قادر است توان مضاعفی را به وجود آورد که موجب ارتقای توانمندیهای محیط فیزیکی و انسانی شود، سلامت و بهداشت فردی را بهبود بخشد و رفاه جامعه را تضمین کند. در بسیاری از متون توسعه تصریح شده که کشاورزی به عنوان مخرج مشترک^۵ روابط فضایی شهر و روستا، قابلیت ایجاد فرصتهای مطلوب در نواحی شهری و روستایی را داراست. لورنا مایکل باتلر^۴ معتقد است که توسعه کشاورزی، فرصتهای مناسبی را برای نواحی شهری و روستایی در جهت تجدید و احیای اکوسیستم، باغبانی محیطی و باغ درمانی، کارآفرینی کشاورزی، تفریح، سرگرمی و برنامه‌ریزی برای ایجاد جوامع سالم به وجود می‌آورد [۳۱، صص ۹-۱۹]، (شکل ۷). با این توصیف می‌توان بیان کرد که روابط فضایی شهر و روستا قادر است از طریق بازارهای شهری و افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی موجب رونق فعالیتهای کشاورزی شود. تجربه‌های حاصل از کشور تانزانیا در دو بخش شمالی و جنوبی نشان می‌دهد که برای گروههای کم درآمد روستایی، رابطه با مراکز شهری به عنوان استراتژی بقای^۵ و برای گروههای پر درآمد، به عنوان ابزاری جهت افزایش درآمد و دارایی محسوب می‌شود [۳۲، صص ۲ - ۵]. همچنین مطالعه دو روستا در جنوب تانزانیا نشان می‌دهد که نظام وجه‌رسانی از طریق افراد مهاجر منبع مهمی برای درآمد خانوارهای ساکن به شمار می‌رود و سبب رونق اقتصاد روستایی نیز است [۳۳، صص ۱ - ۲۲].

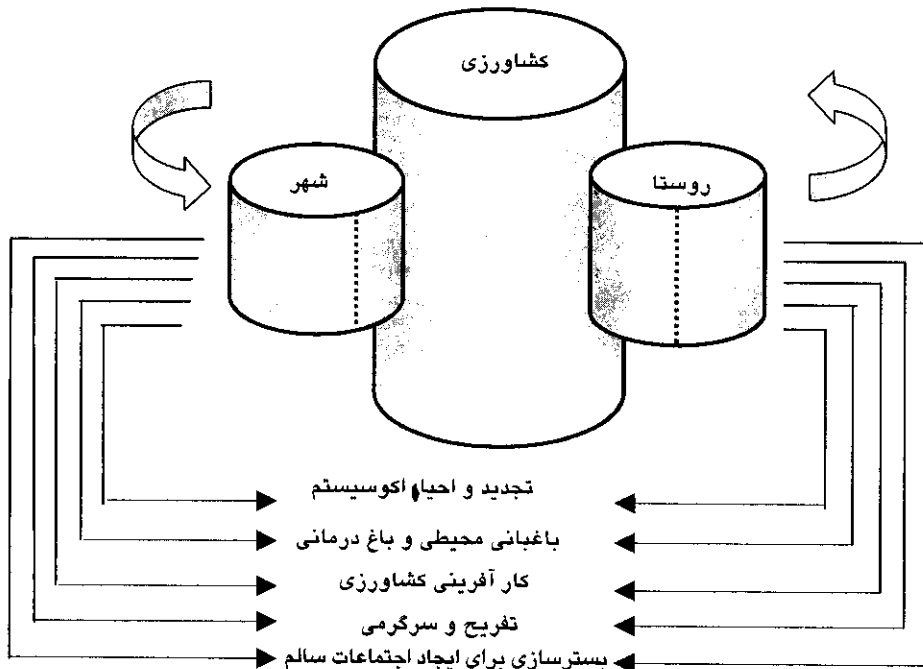
1. poverty alleviation through rural - urban linkages (PARUL)

2. rural - urban agroecosystem

3. common denominator

4. Lorna Michel Butler

5. survival strategy



شکل ۷ جایگاه کشاورزی در مناسبات فضایی روستا و شهر

۳- تأثیر در تسهیل روند صنعتی شدن روستاها

تحقیقات اخیر در کشور ژاپن نشان می‌دهد که شهرها قادرند از طریق پخش فناوریهای جدید در روستاها موجب بهبود سطح دانش فنی نواحی روستایی شوند و روند صنعتی شدن روستاها را تسهیل کنند [۳۴-۱، صص ۱-۳۴].

۴- تأثیر در افزایش سرمایه اجتماعی و سطح آگاهی کشاورزان

تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که ارتباط کشاورزان ساکن در پیرامون شهرها با غیرکشاورزان (شهرنشینان) در سطح آگاهی و افزایش سرمایه اجتماعی کشاورزان مؤثر بوده است [۳۵، صص ۹۱۳-۹۲۴].

۵- تأثیر در توسعه صنعت گردشگری روستایی

گروهی معتقدند که روابط روستا و شهر می‌تواند در توسعه صنعت گردشگری روستایی مؤثر واقع شود. تحقیقات اخیر در کشور ژاپن نشان می‌دهد که این روابط تأثیر معناداری در جذب گردشگران به نواحی روستایی داشته است [۳۶، صص ۴۸۸-۴۹۹].



۲-۴-۲- آثار عملکرد متقابل روستا و شهر بر فرد

روزهای خوش گذشته^۱ که با وفاق و یکپارچگی خانواده‌ها همراه بود، از جمله گفتارهایی است که روستاییان سالخورده بر آن تأکید می‌کنند. از دیدگاه بسیاری از کهنسالان روستایی تعامل دو جانبه روستا و شهر منجر به تضعیف ارزشهای اجتماعی حاکم بر نواحی روستایی شده است و آنچنان که «دیوید اوکالی» در تجربه‌های مربوط به کشور نیجریه تصریح کرده است؛ اصل فردگرایی، یعنی هر کس به فکر خودش، خدا برای همه^۲، را قوام بخشیده است. گستاخی، تکبر و فقدان نزاکت بویژه در نسل جوان روستایی از جمله پیامدهای توسعه روابط متقابل شهر و روستا در عرصه‌های روستایی است [۱۶، صص ۱-۸].

بنابراین توسعه آموزش، بهداشت فردی و پیشرفتهای اقتصادی را از طریق دسترسی مناسب به خدمات و فرصتهای شغلی، متأثر از روابط دو جانبه روستا و شهر نباید از نظر دور داشت.

۲-۴-۳- آثار عملکرد متقابل روستا و شهر بر محیط

تعامل دو جانبه روستا و شهر می‌تواند در بروز پاره‌ای از مشکلات محیطی مؤثر باشد. افزایش تقاضا برای انواع کالاهای مصرفی شامل محصولات چوبی و نیز مواد اولیه ساختمانی سبب شده است تا تخریب اراضی جنگلی، منابع طبیعی و معدنی در بسیاری از کشورها به عنوان چالش محیطی معاصر مطرح شود.

همچنین افزایش رفت و آمد از مراکز شهری به نواحی روستایی موجب بروز پاره‌ای از مشکلات محیطی مانند آلودگی هوا و آب در بسیاری از نقاط روستایی شده است. تکه تکه شدن اسکان^۳، افزایش ازدحام^۴، نابودی حیات وحش و اسکان^۵ و تغییر رژیم آب از مهمترین آثار محیطی حاصل از تعامل میان روستا و شهر محسوب می‌شوند [۲۲، صص ۲۱۷-۲۲۲].

اینک کاهش جاذبه چشم اندازهای روستایی به دلیل افزایش جمعیت، تولید قابل توجه زباله‌های شهری، تخلیه آن در نواحی روستایی و آلودگیهای متأثر از فعالیت واحدهای صنعتی بر مشکلات زیست محیطی نواحی روستایی افزوده است. برای مثال در سال

1. the good old days

2. everybody for himself, God for us all

3. fragmentation of habitat

4. Increased congestion

5. loss of wild life and habitat

۲۰۰۰م. در حدود ۳۰ درصد از واحدهای مسکونی در جمهوری ایرلند در نواحی باز روستایی^۱ بنا شده‌اند. این مسأله موجب بروز پاره‌ای از مشکلات نظیر آلودگی آب حاصل از نفوذ فاضلابهای شهری در نواحی روستایی شده است [۲۷، صص ۱۱ - ۱۷].

۲-۵- روابط متقابل شهر و روستا در ایران

شهرنشینی و روستانشینی در ایران از قدمت بسیار طولانی برخوردار است. در ادوار مختلف تاریخی ظهور سلسله‌های حکومتی بر فرایند رشد و توسعه شهرنشینی و روستانشینی مؤثر بوده‌اند. وجود سلسله‌های متمرکز محلی در این راستا موجب تبعیت شهرها و روستاها از دولتهای مرکزی و حاکمان محلی شده بود؛ اما همچنان روابط ویژه‌ای بین شهرها و روستاها برقرار بود. این روابط که ماهیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشت، در ساختار سکونتگاههای شهری و روستایی آثار وسیعی را برجای گذاشت. در دوره قبل از اسلام با توجه به ویژگیهای خاص مربوط به هر دوره شهرنشینی و روستانشینی و روابط متقابل میان آنان، تجلی اوصاف و شرایط ویژه همان دوره منعکس می‌شد.

اگر چه حمله اعراب و تسلط آنان در سال ۶۴۴ م. سبب تخریب بسیاری از مراکز شهری شد؛ اما آنان پایه گذاران ایجاد بسیاری از شهرهای جدید در کشور شدند. در دوره عباسیان روند شهرنشینی با رشد و توسعه ارتباطات به توسعه کشاورزی و روستاها منجر شد. با تخصصی‌شدن فعالیتهای تولیدی، جریان کالاها میان شهرها و روستاها افزایش یافت تا بار دیگر مناسبات شهر و روستا از روندی رو به رشد برخوردار شود. با توسعه شهرها بتدریج بافت کالبدی شهر از شارستان به ربض کشیده شد. بنابراین در این مقطع وحدت قابل توجهی بین شهر و محصولات کشاورزی به وجود آمد. در این دوره روابط متقابل شهر و روستا موجب رونق شهرنشینی شد تا شهرها از منافع روستاها بیشترین بهره را کسب کنند. با حمله مغولان و نابودی بسیاری از شهرهای کشور رونق شهرنشینی از میان رفت و صدمات جبران ناپذیری به پیکره جوامع شهری و روستایی کشور وارد شد. اما دوره صفویه شاهد شکوفایی مجدد شهرها و روستاها و روابط متقابل میان آنان است. در این دوره با کاهش میزان مالیات از روستاییان، زمینه مناسبی در جهت توسعه اقتصادی نواحی روستایی فراهم شد. حمله افغانها بار دیگر موجب افت شهرنشینی و رکود اقتصادی در نواحی شهری و روستایی گردید؛ اما با روی کار آمدن حکومت قاجاریه

1. open countryside



ثبات نسبی در سطح کشور پدید آمد و به تبع آن در نواحی شهری و روستایی کشور حکمفرما شد [۳۸، صص ۵۵-۶۴].

نفوذ سرمایه‌داری غرب که به شکل گسترده در دوره حکومت پهلوی بوقوع پیوست، اقتصاد معیشتی اجتماعات روستایی را با از بین بردن روستاهای سنتی کشاورزی در هم ریخت و آنها را وادار به تولید محصولات مورد نیاز خود کرد. صنایع روستایی (که ریشه در بنیانهای اقتصاد روستایی داشت) با نفوذ فرهنگ سرمایه‌داری غرب رو به نابودی رفت. نیروهای فعال روستایی کشور به طرف شهرها حرکت کردند؛ آنگاه مقدمات نابودی روستاها مهیا شد. در ابتدای حکومت پهلوی روستاها معمولاً مکان اصلی تولید و استقرار جمعیت محسوب می‌شدند؛ به طوری که بیش از ۷۲ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده بودند. شهرها نیز به طور عمده جزء مراکز تجارت و مقر مرکزی به شمار می‌رفتند. در این مقطع، کشاورزی بیش از ۸۰ درصد تولیدات داخلی را به خود اختصاص داده بود. به همین دلیل نقش تولیدی شهرها از اهمیت چندانی برخوردار نبود [۳۹، ص ۴۵].

بنابراین با نفوذ فرهنگ سرمایه‌داری غرب، روند جدید شهرگرایی و میل به شهرنشینی از مهمترین مسائل کشور در دوران معاصر محسوب می‌شود. در دوره جنگ جهانی دوم و توجه به اهمیت نقش نفت در اقتصاد کشور و تأکید بر روند مدرنیزاسیون به همراه کاهش شدید تجارت خارجی و صادرات مواد اولیه کشاورزی از یک سو و نیز ورود منتقدین به ایران و هرج و مرج ناشی از آن طرف دیگر رابطه سازمان یافته شهر و روستا از حیث مازاد اقتصادی روستایی و یا نقش شهر در متمرکز کردن این مازاد اقتصادی تضعیف شد. به واسطه رکود تجاری و هرج و مرج داخلی نقش تجاری شهر تنزل پیدا می‌کند که بازتاب آن در رابطه شهر و روستا به صورت گسیختگی شبکه استخراج مازاد اقتصاد روستایی نمایان می‌شود. این گسیختگی موجب کاهش فعالیتهای کشاورزی نیز می‌شود و تصویری که در وهله اول از شهر و روستا در این دوره تجلی پیدا می‌کند رکود حیات و تجارت شهری و رکود فعالیتهای کشاورزی است [۳۸].

رکود فعالیتهای کشاورزی سبب شد تا شهرها جاذب جمعیت بیشتری شوند؛ لذا سیل عظیم مهاجران روستایی برای به دست آوردن کار و غذا به سمت شهرها آغاز شد. اشتغال به کار روستاییان که اغلب شامل فعالیتهای غیر رسمی و کاذب خدماتی در شهر بود، موجب شد که وابستگی آنان را به شهر بیشتر کنند و مانع از بازگشت آنان به روستاها شود. بنابراین توسعه شهری در خلال سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۴۰ ه.ش. مبتنی بر مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها است. انجام اصلاحات ارضی که در دهه ۴۰ در سطح جوامع روستایی به مرحله اجرا گذاشته شد، سبب

بروز تغییرات وسیعی در روند شهرنشینی و روستانشینی شد. واگذاری اراضی روستایی به روستاییان کم زمین و بی زمین بر اساس بهره مالکانه و نیز توسعه روز افزون فعالیتهای صنعتی در شهرها بویژه صنایع مونتاژ که به طور عمده به نیروی کار ارزان نیازمند بود، سبب شد تا روند مهاجرت روستاییان به شهرها از شدت بیشتری برخوردار شود. سیاستهای فشار و کشش که با انجام اصلاحات ارضی در روستاها و ایجاد جاذبه های فراوان در شهرها همراه بود به این فرایند مساعدت بیشتری کرد. از جهتی دیگر باز شدن بازارهای مصرف روستایی روی کالاهای شهری سبب شد که شهرها با اجرای نقش جدید خود مقدار زیادی کالاهای مصرفی مورد نیاز روستاها را تأمین و تدارک ببینند؛ به طوری که وابستگی روستاها به تولیدات شهری روز به روز شدت پیدا کرد و از استقلال اقتصادی روستاها کم شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل اعمال پاره‌ای از سیاستهای نادرست در سالهای اولیه، جوامع روستایی شاهد وسیعترین تغییرات در زمینه جابجایی جمعیت از روستاها به شهرها بودند. این مسأله سبب شد که از جمعیت روستایی کشور به میزان قابل توجهی کم شود و به کمتر از ۴۰ درصد تنزل پیدا کند. رشد جمعیت شهرها و توسعه کالبدی آن به حوزه های پیرامونی سبب شد تا خرید و فروش و بورس بازی زمین از رونق زیادی برخوردار شود. توسعه فضایی شهری در ایران در طی دو دهه اخیر به طور عمده به سه شکل، رشد سریع شهرها به نواحی پیرامونی، رشد شهرها در ارتفاع و ایجاد شهرهای جدید بوده است. همچنین تنوع شهری، پیچیدگی و ارزش فضایی شهری و نیز انفکاک بخشهای مسکونی و فعالیتهای آن سه ویژگی منحصر به فرد توسعه شهری کشور بوده است که به میزان قابل توجهی بر روابط متقابل شهر و روستا تاثیر نهاده است.

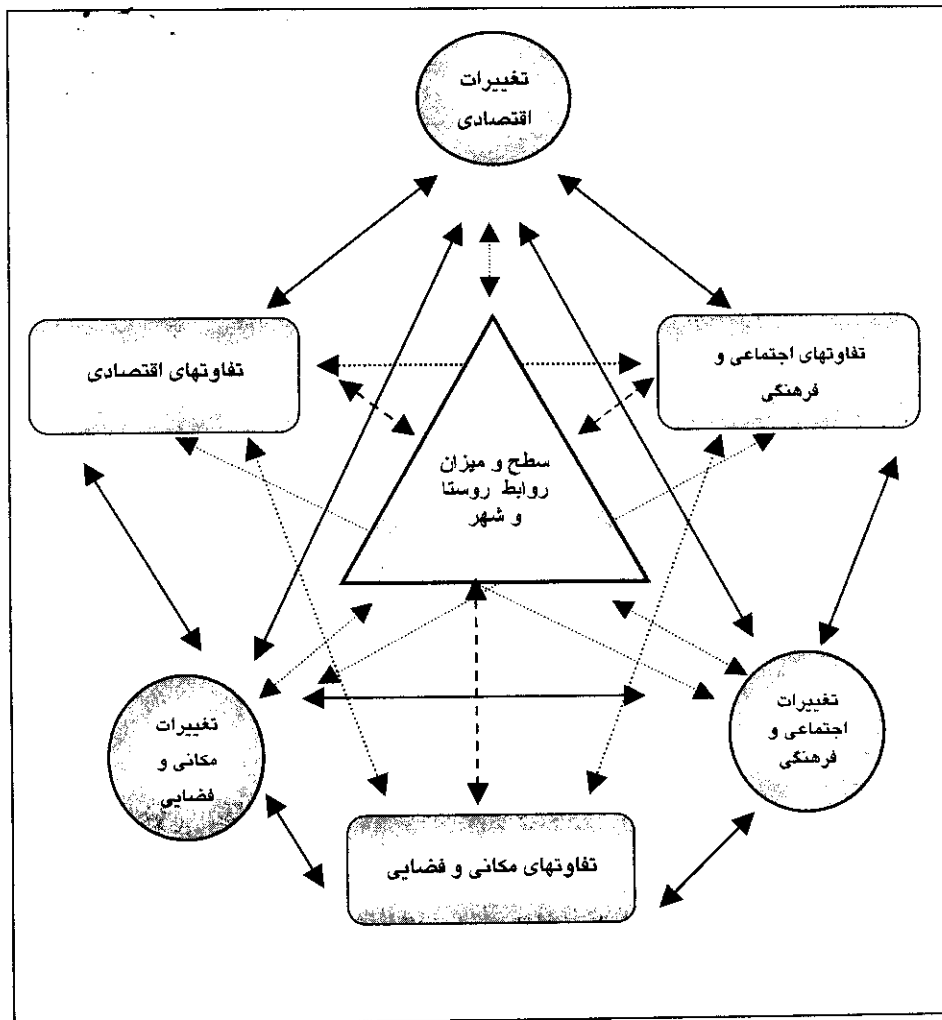
۳- فرضیه‌های تحقیق

در صورتبندی فرضیه HI، به تفاوت میزان روابط متقابل روستا و شهر در تحول ارگانیک و غیرارگانیک شاخصهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و مکانی - فضایی نواحی روستایی استان قزوین تأکید شده است.

۴- روش تحقیق

روش تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی مبتنی بر برقراری روابط منطقی میان متغیرهای مستقل و وابسته است. براین مبنا پیش فرض کلی تبیین می‌کند که میزان روابط متقابل شهر و روستا در تغییرات مناطق روستایی مؤثر بوده و تفاوت معناداری میان شاخصهای اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی و مکانی - فضایی روستاهای دارای رابطه زیاد تا کم وجود دارد. مفهوم نظری این دیدگاه در شکل ۸ ترسیم شده است.



شکل ۸ تأثیرات روابط متقابل شهر و روستا بر مناطق روستایی

امتیازکل	X_n			...	X_2			X_1			شاخص
	میزان رابطه				میزان رابطه			میزان رابطه			
	کم	تاحدودی	زیاد		کم	تاحدودی	زیاد	کم	تاحدودی	زیاد	نام روستا
											Y_1
											Y_2
											⋮
											Y_n

شکل ۹ ماتریس جریان به منظور سنجش میزان تعامل مراکز روستایی با شهر

به منظور سنجش سطح و میزان روابط شهر و روستا در سطح روستاهای تابع استان قزوین که به صورت موردی در سطح شهرستان قزوین به مرحله اجرا گذاشته شد، ماتریس جریان^۱ مورد استفاده قرار گرفت. در این راستا جریان مردم، تولیدات، پول، اطلاعات، کالاها و خدمات به عنوان جریانهای رایج میان مراکز شهری و روستایی به صورت مقیاس ترتیبی سنجش شده و میزان ارتباط هر روستا با مرکز شهری محاسبه شده است.

به این ترتیب در ماتریس جریان، همانطور که شکل ۹ نشان می‌دهد، امتیاز هر روستا تابعی از شدت ارتباط آن با مراکز شهری برحسب هریک از شاخصهای واقع در ماتریس است. بالاترین امتیاز مبین بیشترین تعامل و کمترین آن بیانگر میزان ارتباط اندک خواهد بود. روستاهای مطالعه شده با توجه به امتیاز کل مکتسبه از ماتریس جریان به سه گروه روستاهای دارای ارتباط «کم» با مراکز شهری با کد ۱، روستاهای دارای ارتباط «متوسط» با کد ۲، و روستاهای دارای ارتباط «زیاد» با کد ۳ رتبه‌بندی شده‌اند.

۵- تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری

استان قزوین دارای ۹۳۶ آبادی است که ۵۰۰ روستای آن در شهرستان قزوین توزیع شده است. قسمت عمده مراکز شهری استان قزوین نیز در محدوده جغرافیایی شهرستان قزوین توزیع شده‌اند.

1. flow matrix



به منظور انتخاب تعداد نمونه‌ها با توجه به فاصله قرارگیری مراکز روستایی تا مراکز شهری چهارگانه از روش تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. در این راستا مراکز روستایی دارای ۲۰ خانوار به بالا به عنوان جامعه آماری برگزیده شده‌اند و با توجه به فرمول کوکران در سطح خطای ۰/۰۵ با ۰/۵ درصد موفقیت و ۰/۵ درصد عدم موفقیت، تعداد ۶۵ روستا به عنوان روستای نمونه به صورت روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند.

۶- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه به کمک روشهای آماری تجزیه و تحلیل شده است. فرضیه‌ها نیز متناسب با هر یک از مقوله‌های اسمی و رتبه‌ای به کمک روشهای ناپارامتری آزمون و سنجش شده است.

۷- محدوده جغرافیایی جامعه آماری

محدوده جغرافیایی استان قزوین بین ۲۸°۳۵ تا ۵۷°۳۶ عرض شمالی و ۱۸°۴۸ تا ۵۱°۰۱ طول جغرافیایی قرار گرفته است.

این محدوده جغرافیایی با مساحتی بالغ بر ۱۵/۵ هزار کیلومتر مربع از شمال به استانهای گیلان و مازندران، از غرب به استان زنجان، از جنوب به استانهای همدان و مرکزی و از شرق به استان تهران محدود می‌شود. شهر قزوین به عنوان مرکز استان در ۱۳۵ کیلومتری غرب تهران با جمعیتی نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر در شمال استان قرار گرفته است.

۸- استنتاجات و ارائه احکام سنتزی

عرصه‌های روستایی کشور در سالهای اخیر دستخوش تحولات و تغییرات عمده‌ای بوده است که بی‌تردید در بروز این تغییرات نقش شهرها به عنوان عاملی تأثیرگذار نباید به بوته فراموشی سپرده شود. شهرها با نوع کارکردها، وسعت و دامنه عملکرد خود می‌توانند بسترساز قابل توجه‌ترین تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مکانی - فضایی درحوزه‌های روستایی شوند و مورفولوژی اقتصادی، اجتماعی و مکانی جدید را در روستاها بنیان نهند.

توسعه روزافزون مناسبات شهر و روستا (که با گسترش خطوط ارتباطی و نیز توسعه فناوری) مراحل جدیدی را تجربه می‌کند، در بروز چنین تغییراتی مؤثر هستند. جابه‌جایی و جریان قدرتمند

مردم، کالاهای، خدمات، تولیدات، اطلاعات، فناوری و سرمایه میان شهر و روستا بر شدت این تغییرات افزوده است. تحلیل روابط متقابل شهر و روستا و پیامد آن در مناطق روستایی که به صورت موردی در استان قزوین به مرحله اجرا گذاشته شد، بیانگر احکام سنتزی ذیل است:

حکم اول: تأثیرات معنادار آماری با رابطه مثبت میان متغیرهای مستقل و وابسته میزان رابطه شهر و روستا در پاره‌ای از متغیرها سبب بروز تغییرات عمیق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مکانی- فضایی با جهت‌گیری همبستگی مثبت در مناطق روستایی شده است. دامنه ضریب همبستگی در این متغیرها از حداکثر ۰/۶۱ تا حداقل ۰/۲۵ متغیر است.

مهمترین تغییرات حاصل از روابط روستا و شهر در عرصه‌های روستایی بترتیب اولویت در شاخص خدمات و تنوع کاربری اراضی، قیمت مسکن، تعداد گاو‌داریها و مرغداریهای صنعتی، تنوع شغلی، تعداد قطعات اراضی زراعی، گرایش به ساختن مسکن متناسب با الگوهای شهری، جذب مهاجران، گرایش به استفاده از کالاهای مصرفی بادوام، میزان سرمایه‌گذاری شهرنشینان در گاو‌داریها و مرغداریهای صنعتی، تعداد خانوارهای ساکن، خرید و فروش باغات به وسیله شهرنشینان تجلی یافته است.

حکم دوم: تأثیرات غیرمعنادار آماری با رابطه مثبت میان متغیرهای مستقل و وابسته پاره‌ای از متغیرهای تحلیل شده در روابط متقابل مراکز روستایی با شهرها از تغییر نسبی با همبستگی مثبت برخوردار بوده است ولی به جهت آماری از معناداری لازم برخوردار نیست. دامنه ضریب همبستگی در این متغیرها از حداکثر ۰/۲۴ تا حداقل ۰/۰۶ در نوسان بوده است.

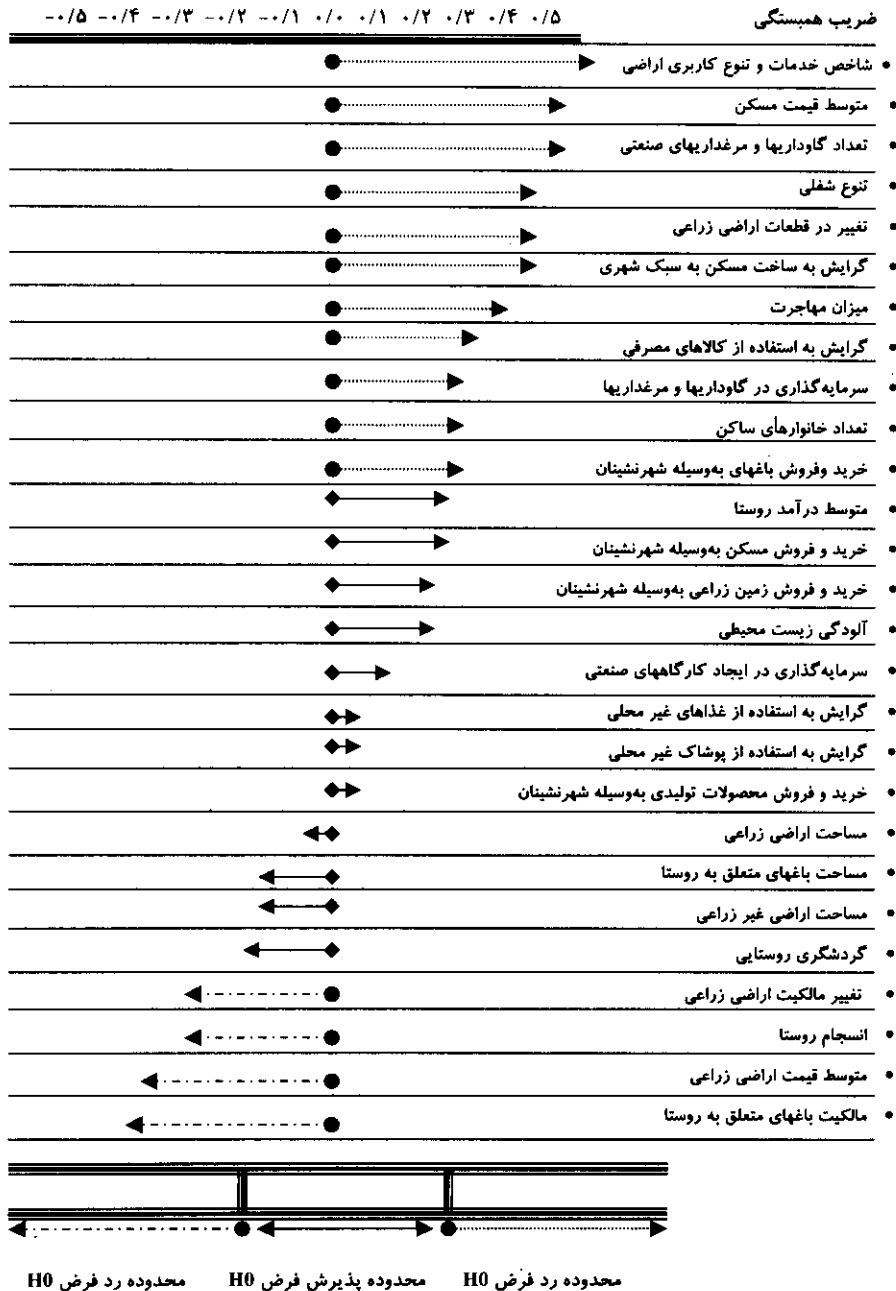
متوسط درآمد مراکز روستایی، میزان خرید و فروش مسکن به وسیله شهرنشینان، میزان خرید و فروش زمینهای زراعی به وسیله شهرنشینان، میزان آلودگیهای زیست محیطی، میزان سرمایه‌گذاری به وسیله شهرنشینان در امر ایجاد کارگاههای صنعتی و صنایع دستی، میزان گرایش به استفاده از غذاهای غیرمحلّی و گرایش به استفاده از پوشاک غیرمحلّی در این طبقه جای می‌گیرند. این بدان معناست که اگر چه با افزایش میزان رابطه روستا و شهر تغییرات نسبی در متغیرهای مذکور با رابطه مثبت حاصل می‌شود، ولی این رابطه به جهت آماری فاقد معناداری لازم است.



حکم سوم: تأثیرات معنادار آماری با رابطه منفی میان متغیرهای مستقل و وابسته پاره‌ای از متغیرهای مطالعه شده متأثر از روابط روستا و شهر از تأثیرات معنادار آماری ولی با همبستگی منفی برخوردارند. این به آن معناست که با افزایش رابطه مراکز روستایی با شهرها از شدت هر یک از متغیرهای مطالعه شده کاسته شده و این کاهش نیز به جهت آماری معنادار است. دامنه ضریب همبستگی این گروه از متغیرها از $0/27$ تا $0/43$ در نوسان است. تغییر در میزان مالکیت اراضی زراعی، میزان انسجام روستا، میزان قیمت اراضی زراعی و میزان مالکیت باغهای متعلق به روستا در این گروه قرار می‌گیرند.

حکم چهارم: تأثیرات غیرمعنادار آماری با رابطه منفی میان متغیرهای وابسته و مستقل گروهی از متغیرهای مطالعه شده متأثر از روابط روستا و شهر از تأثیرات غیرمعنادار آماری با همبستگی منفی برخوردارند. به بیانی دیگر پیامدهای آنها در عرصه‌های روستایی با رابطه معکوس همراه بوده است.

این موضوع به این مفهوم است که با افزایش رابطه مراکز روستایی با شهرها از شدت هر یک از متغیرهای مطالعه شده کم می‌شود ولی این کاهش به جهت آماری معنادار نیست. دامنه ضریب همبستگی این گروه از متغیرها از $0/04$ تا $0/22$ در نوسان است. میزان مساحت باغهای متعلق به روستا، میزان مساحت اراضی غیر زراعی و گردشگری روستایی در این طبقه جای می‌گیرند. به این ترتیب احکام چهارگانه حاصل از روابط متقابل روستا و شهر را می‌توان به صورت شکل ۱۰ ترسیم کرد.



شکل ۱۰ جهت و میزان آثار رابطه روستا و شهر در تحول مناطق روستایی استان قزوین



۹- نتیجه گیری

به نظرمی رسد با توجه به احکام سنتزی فوق، محدوده جغرافیایی مطالعه شده از آثار و پیامدهای ارگانیک روابط روستا و شهر بی بهره بوده است، به طوری که این روابط به طور عمده در مناطق روستایی به پیامدهای نامطلوب زیر منجر شده است.

- باعث شده است تا بسیاری از اراضی زراعی و باغها به سایر کاربریها اختصاص داده شوند، بنابراین سبب تنوع کاربری اراضی شده است.

- سبب افزایش قیمت مسکن شده و بورس بازی زمین نیز تشدید شده است.

- باعث افزایش قابل توجه تعداد گاوداریها و مرغداریهای صنعتی شده و انواع آلودگیها را در نواحی اطراف محیط شهری تشدید کرده است.

- زمینه قطع قطع شدن اراضی زراعی فراهم شده و از بهره‌وری اراضی زراعی کاسته شده است.

- الگوی سنتی مسکن روستایی کمرنگ شده و سبک معماری شهری توسعه پیدا کرده است.

- سبب جذب مهاجر از سایر روستاها شده و ناهنجاریهای حاصل از افزایش جمعیت را نیز تشدید کرده است.

- میزان خرید و فروش باغها به وسیله شهرنشینان رونق پیدا کرده و در نهایت منجر به تغییر ماهیت تولید، شیوه باغداری، تغییر کاربری و تغییر مالکیت شده است.

- باعث کاهش مالکیت اراضی زراعی شده و میزان تولید محصولات زراعی کاهش یافته است.

- به دلیل اسکان گروههای ناهمگن باعث تضعیف انسجام روستا شده و چالشهای متعدد اجتماعی و فرهنگی را سبب شده است.

۱۰- منابع

[۱] باستیه، ژان؛ شهر؛ ترجمه علی اشرفی؛ انتشارات دانشگاه هنر، چ ۸، ۱۳۷۷.

[2] Satterthwaite, David; " Seeking an understanding of poverty that recognizes rural-urban differences and rural-urban linkages ", *International Institute for Environment and Development*, 2000.

- [3] IIED : International Institute for Environment and Development ; “ Rural-urban linkages and urban environment ” , *Briefing Paper Series on Urban Environmental Improvement and Poverty Reduction*; 2001.
- [4] Douglass, Mike; “A regional network-strategy for reciprocal rural-urban linkages”, *Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia*; TWPR ,Vol.20, No.1,1988.
- [5] Epstein, T. Scarlett & David Joseph; “Development-there is another way : A rural-urban partnership development paradigm”, *World Development*; Vol. 29 ,2001.
- [6] Rondinelli, A.Dennis & Hugh Evans; “ Integrated regional development planning: linking urban centres and rural areas in Bolivia”, *World Development*; Vol. 11 , 1983.
- [7] Tacoli, Cecilia; “ Rural –urban interactions : A guide to the literature ” , *Environment and Urbanization*; Vol.10 , No.1 ,1998.
- [8] RMT: Regional Management Team; “Attacking poverty – A multidisciplinary approach , the case of Bangladesh ” ,2000.
- [9] Gelan, Ayele; “Trade liberalisation and rural-urban linkage: A CGE analysis for Ethiopia, ” *Journal of Policy Modeling* ; Vol. 2 , 2002.
- [10] Tacoli, Cecilia; “ Changing rural-urban interactions in sub- saharan Africa and their impact on livelihoods ” , *International Institute for Environment and Development*; London:2002.
- [11] World Bank; “Reaching the rural poor ,the rural development strategy of the world bank”, 2001.
- [12] Sumner Jennifer; “Challenges to sustainability:The impacts of corporate of globalization on rural communities” *Rural Extension Studies* ,University of Guelph; www.uoguelph.ca/~csext/cse%202001%20archive/papers/jennifersumner.Pdf , 2001.
- [13] Potter; B., Robert & Tim Unwin ; “Urban-rural interaction: physical form and political process in the third world ” , *Cities*;Vol. 12, No.1 , 1995.
- [14] Feder, Gershon & et.al; “ Rural-urban linkages and interactions: synthesis of issues , conclusions and priority opportunities”; 2000.
- [15] Tacoli, Cecilia 3; “ Urban governance ; partnership and poverty, supplementary theme paper : Rural-urban interactions ” ; 2000.
- [16] Okali, David & etal; “ Rural-urban interactions and livelihood strategies eries”, *Working Paper 4 , The Case of Aba and it's region; Southern Nigeria*;2001.



- [17] Hidding, C., Marjan & Andre Teunissen; "Beyond fragmentation: New concepts for urban-rural development", *Landscape and Urban Planning*; Vol.58, 2002.
- [18] Rogers Andrei & Ramer James; "The spatial focus of us interstate migration flows", *International Journal of Population Geography*; Vol.4, 1998.
- [19] Herzog W., Henry & al; "Migration as spatial job-search: A survey of empirical findings", *Regional Study*; Vol. 27, No.4, 1993.
- [20] Fawcett JS., James et al; "Reasons for moving and migration behaviour" *World Development*", Vol.10, no.4, 1982.
- [21] Feldman, Shelley; "Rural-urban linkages in south Asian: Contemporary themes and policy directions", *Department of Rural Sociology*, Cornell university, 1999.
- [22] Dasgupta, Biplab; "Public housing and migration: A multi-level modeling approach" *Int. Jou. Popul. Geo.*, Vol.3, 1993.
- [23] Bell, P. Kathleen & G. Eena Irwin; "Spatially explicit micro-level modelling of land use change at the rural-urban interface", *Agriculture Economics*, Vol. 27, 2002.
- [24] Bao, Shuming; "Identifying urban-rural linkages -- test for spatial effects in the carlino-mills model", University of Michigan, 1999.
- [25] Veenhuizen, Rene. Van; "The rural-urban interface", *ETC-RUAF, Leusden*, The Netherlands, 2002.
- [26] Nuppenu, E.A; "The creation of viable rural-urban interface", *department of Agriculture Policy Analysis and market Research*, Liebig University, Germany, 2001.
- [27] Satterthwaithe, David; "What is urban upgrading? urban/rural linkages", *Johannesburg*, South africa :2000.
- [28] Luloff, A. E; "Farm-nonfarm interdependencies at the rural-urban interface", *Department of Agricultural Economics and Rural Sociology*, Rural Development Views, Vol.5, No. 2, 1998.
- [29] Libby, w. Lawrence; "Rural-urban interface issues", *Ohio State University*; 2002.
- [30] UNDP; "Poverty alleviation through rural-urban linkages implementation phase", *Projec of The Government of Indonesia*, 1999.
- [31] Butler, Loma Michel and et.al; "Rural-urban interdependency and the future of agriculture", Iowa State University, 2002.
- [32] Diyamett, Bitrina and etal; "Working paper series on rural-urban interactions and Livelihood strategies" *The Case of Himo and It's Region, Northern Tanzania*, 2001.

- [33] Kibadu, Anthony; “ Working paper series on rural-urban interaction and livelihood strategies , *The Case of Lindi and it's region* , Soutern Tanzania:2001.
- [34] Murata, Yasusada; “ Rural-urban interdependence and industrialization ” , *Journal of Development Economics* , Vol.68 ,2002.
- [35] Sharp. J. S & M.B Smith; “ Social capital and farming at the rural-urban interface : The importance of nonfarmer and farmer relations’ ” , *Agriculture Systems* , Vol.76 , 2003.
- [36] Murphy, Ann & Williams, W.Peter; “ Attracting Japanese tourists into the rural hinterland: Implications for rural development and planning ” , *Tourism Management*, Vol.20 ,1999.
- [37] IPPP : Irish planning policy ponel;“ The new rural-urban relationship : A frame work for discussion ” , *The Royal Town Planning Institute In Irland* ,2002.
- [۳۸] رضوانی، علی اصغر؛ روابط متقابل شهر و روستا با تأکید بر ایران؛ انتشارات دانشگاه پیام نور؛ ج ۱، ۱۳۷۴.
- [۳۹] حسامیان، فرخ؛ شهرنشینی مرحله گذار، شهرنشینی در ایران؛ انتشارات آگاه، ج ۱، ۱۳۶۳.